



۲۰۱۶/۱۲/۲۱

دوکتور محمد ظاهر عزیز

بحث فرهنگ

در روزهای نزدیک گذشته مطالب دلچسپی را بر فرهنگ، تهاجم فرهنگی و فرهنگ ملی افغان ها در سایت وزین آریانا افغانستان آنلاین خواندم. با آنکه با فرهنگ بعضی کلمات متون تعدادی از مقالات نویسندگان محترم موافق نیستم، من به نویسندگان صاحبقدر این مبحث خیلی پیچیده (فرهنگ) که تمامی مظاهر و اجزای حیات انسان ها را در همه اجتماعات جهان احتوا می کند و در حال تغییر، تحول و یا ارتقاء جدی و سریع قرار دارد، با حرمت شاد باش می گوئیم. اما، باید گفت که در نوشته های تعداد کثیری از هموطنان عزیز تنها بر یکی از مظاهر فرهنگ (زبان) تأکید صورت گرفته است. با در نظر داشت اهمیت این مبحث و استفاده از نوشته های قبلی اینجانب در زمینه فرهنگ و اجزای وابسته به آن، مطالب زیر را در چند عنوان به توجه خوانندگان محترم سایت آریانا افغانستان آنلاین می رسانم. در ضمن اولین سالگرد این سایت مفید و خواندنی را به گردانندگان آن که در پی حفظ هویت فرهنگی مردم افغانستان نیز هستند، با حرمت تقدیم می نمایم.

بحث فرهنگ

قسمت چهارم

و: هویت فرهنگی و جامعه افغانی:

سرنوشت جوامع امروزی در چنان صحنه ای وسیع بنیان گذاری میشود که تمامی کره زمین را در برمی گیرد. جوامعی که تا چند دهه قبل میتوانیستند با عدم اطلاع کامل از وجود یک دیگر، زندگی کنند، امروز در تماس هرچه نزدیکتر و منظم تر، هر روز، هر ساعت و حتی هر ثانیه می باشند. همه ای این جوامع بطور روز افزون بریک دیگر تأثیر متقابل می گذارند و اتکا به یک دیگر در بسیاری از رشته های فعالیت انسانی بصورت واقعیت در آمده است. جامعه افغانستان در سطح ملی و محلی از این واقعیت بدور مانده نمی تواند. تبادل افکار، مال التجاره، اطلاعات و نقش حیرت آور تأثیرات جهانی شدن بر همه اجزای اجتماعی و طرز حیات افغان ها تأثیر می نماید. تبادلات تجاری، سیاحت ها و از همه زیادت، دسترسی به تحولات اجتماعی و اقتصادی از طریق وسایل ارتباط، نشرات و اطلاعات که فاصله میان جهانیان را به چند ثانیه تبدیل نموده، در تعمیم این گفته اثرات عمده دارند.

شاید در پهنه فرهنگ است که تقاضاهای متناقض جهت برقراری روابط جدید جهانی به آسانی قابل تشخیص باشد. قلمرو ارتباطات بین انسانها بصورت جهانی در می آید و کمیت دانش و اطلاعات موجود پیوسته در حال افزایش است. باتوسعه تکنالوژی و همه وسایل سریع و درحال انکشاف حیرت آور، امکان جمع اوری این دانش و اطلاعات، ذخیره کردن و

انتقال آنها (به دقیقه و ثانیه سرعت نور برق) از یک نقطه به نقطه دیگر در روی کره زمین و ماورای زمین نیز دائماً در حال گسترش است.

این مبادلات، تماسها و پخش سریع اطلاعات، برای یکسان سازی سلیقه ها، روشها، رفتارها و دیگر اجزای هر روزه ای زندگی انسانها همراست است و هم مانند کردن، هم نوع کردن بعضی از نمونه های زندگی، تفکر و عمل تولید و مصرف را تبلیغ میکند.

این عمل هموائی و یکسان سازی روبه توسعه، به تدریج حوزه های بیشتری از فعالیت انسانی را در سطوح ملی و محلی، مورد تهاجم قرار میدهد و شاید در حالاتی، باعث تغییر شکل ناموزون گردد زیرا هر آنچه را که با آن مطابقت دارد، ارتقاء می دهد و هرچه که بر سر راهش می ایستد و مقاومت میکند، نابود می سازد.

اگر این منطق به افراط کشیده شود، می تواند به تحجر انسانها بیانجامد، زیرا تنوع، چنانچه بر مبنای تساوی کامل پذیرفته شود یک منبع اساسی و نیروی حیات بخش برای هریک از جوامع انسانی بحساب می آید.

خواست دفاع از هویت فرهنگی مردم افغانستان در حال حاضر می باید به عنوان یکی از نیروهای عمده محرک پیشرفت همه اجزای اجتماعی جامعه افغانستان پذیرفته شود. بعید است این اراده و دفاع، نمایانگر برگشت به گذشته ای تغییر ناپذیر و خود محصور باشد. بدین ترتیب چنین مفهومی از هویت فرهنگی برای پیشرفت افراد و جوامع در کشور ما هرچه بیشتر ضروری بشمار میرود. این نوع عمل، یعنی دفاع از هویت فرهنگی مردم افغانستان با پذیرش اعمال و روش نیک پیشرفت از طریق کسب دانش و هماهنگ ساختن دانش و فرهنگ، اراده مردم را تقویت کرده و استوار نگاه میدارد، منابع درونی را قابل بهره برداری میکند و تغییرات لازم را تبدیل به سازگاری خلاقه می سازد.

امروز چنین تشخیص داده شده که مفهوم هویت فرهنگی در قلب مسایل توسعه قرار دارد ولی این واقعیت دیری نیست که مورد پذیرش همه قرار گرفته باشد. توسعه وقتی مؤثر است که بر اراده ای هر جامعه به منظور تأمین احتیاجات آن استوار شده باشد و بدرستی هویت زیر بنائی جامعه را بیان کند. توسعه واقعی وقتی میتواند صورت بگیرد که با درک هویت فرهنگی مردم از درون جامعه نشأت بگیرد، با ضرورتهای مردم و هماهنگ ساختن توسعه با مزایای تعلیم و تربیه و آموزش همه گانی، سازگاری داشته باشد و کلیه جنبه های زندگی را در بر گرفته و تمامی انرژی جامعه را در حرکت آورد. جامعه ای که در آن هر فرد، هر قشر حرفه ای و هر گروه اجتماعی در تلاش همگانی نقشی ایفا میکند و در منافع حاصله نیز از طریق پلانهای اقتصادی بر مبنای حرمت به فرهنگ و هویت مردم، نیز سهیم می باشد.

با پذیرش تعریف فرهنگ به صفت عنصری که شامل همه دانستنی ها و عکس العمل های فرد و محیط محوله او با بُعد وسیع زندگی گروه های اجتماع، یعنی مجموعه ای روش ها و شرایط زیست یک جامعه که به اساس بنیاد مشترکی از عنعنه ها و دانش ها و نیز اشکال مختلف بیان و تحقق فرد در درون جامعه به هم پیوند خورده اند، به مسایل هویت فرهنگی و تحول اجتماعی و اقتصادی زیر می پردازیم:

کشور ما که خواهان توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر اساس حرمت گذاشتن به ارزشهای معنوی و هویت ملی فرهنگی است، بر حفظ شخصیت خود نیز تأکید دارد و آمادگی روبرو شدن با مشکلاتی است که به سادگی قابل رفع نیستند، بهرحال تا زمانی که مسایل توسعه از مسایل فرهنگ جدا باشد، مشکلات وجود خواهد داشت.

پس توجه به تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان و پذیرش و احترام به آن مهم و حیاتی است. شرط ضروری بلند رفتن و رشد اجتماعی و رسیدن به مزایای دموکراسی و ثروت بیشتر و توزیع عادلانه ای این ثروت، احترام به عقاید یک دیگر، احترام به تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم و جد و جهد در راه حفظ عالمانه و عاقلانه ای هویت فرهنگی مردم افغانستان است. احترام متقابل تحقق نخواهد یافت مگر آنکه هریک از افراد جامعه ما، چه مرد و چه زن افغان امکان آنرا داشته باشد که

بر اساس تاریخ پر افتخار افغانستان، آداب و رسوم خوب مردم افغانستان و دانش خود، به شکوفایی فرهنگی واقعی نایل شود.

برای تحقق این مرام ملی، من بر ارزشهای معنوی، صداقت ملی و هویت فرهنگی مردم افغانستان حساب می‌نمایم.

ز: ستراتیژی و پیشنهادات مشخص در جهت حفظ هویت فرهنگی در کشور:

با فهم این مطلب که فرهنگ همیشه در حال تحول است. سرعت تحول فرهنگی و یا غنای فرهنگی با نفوذ اطلاعات و تکنالوجی اطلاعاتی، افزونی سفرها از یکجا بجای دیگر و بنابراین ملاقات با مردم کشور های دیگر و شناسایی با اجزای فرهنگی شان در قرن بیست و یکم به ماه، روز و یا ساعت حساب نمی‌شود، بلکه چند ثانیه بکار است تا از احوال جاپانی ها و کوریایی ها در کلیفورنیا مطلع شویم. با وجود این که تأثیرات رسانه ها و دیگر وسایل دست داشته تکنالوژی نو در اجزای فرهنگی تمامی جوامع دنیا نهایت سریع شده است، برای شناخت شخصیت سیاسی، اجتماعی و مزایای فرهنگی یک کشور یا یک جامعه، حفظ ارزشها، هویت و میراث فرهنگی برای هر جامعه از آن جمله جامعه افغانی، برای مردم امروز و فرزندان آینده کشور ما نهایت ضروری و مهم است. بقای هویت فرهنگی مردم افغانستان که نیز مشتمل است بر حفظ و احیای میراث های محسوس و غیر محسوس فرهنگی، که در حقیقت حفظ شخصیت افغانها نیز محسوب میگردند. با تأسف باید گفت که نه دستگاه دولت افغانستان و نه فرهنگیان افغان نظر به ملحوظات متعدد در این راه یعنی حفظ و ارتقاء ارزشها و میراث فرهنگی مردم وطن، خدمت شایسته نکرده اند.

برای این هدف گرانبها که سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروز و فردای کشور نیز به آن وابسته است، پیشنهادات زیر را به مقامات مسؤول دولت و فرهنگیان محترم کشور تقدیم می‌نمایم. باید بگویم که این پیشنهادات کامل نیستند، اما می‌تواند به صفت شروع گفتار و کردار ضروری بحساب آید:

۱. با حفظ روحیه ای میثاق نگهداری از میراث فرهنگی غیر محسوس، مصوب سی دومین کنفرانس عمومی یونسکو (۲۰۰۳م) و میثاق حفظ و توسعه تنوع بیانهای فرهنگی مصوب سی و سومین کنفرانس عمومی یونسکو (۲۰۰۵م)، طرح و تهیه پالیسی ملی فرهنگی در جهت حفظ ارتقاء و توسعه فرهنگ.
۲. طرح یک زیربنای ملی فرهنگی بعنوان یک ستراتیژی و سیاست دراز مدت و مؤثر در جهت شناسایی، حفظ و ارتقای فرهنگ مردم افغانستان و پذیرش این اصل که مردم افغانستان دارای فرهنگ متنوع هستند که از طرف همه مساویانه احترام میگردند.
۳. اهمیت دانش های عنعنوی مردم افغانستان و استفاده از ساختار اجتماعی و به عنوان منبع سرمایه معنوی و مادی و سهم دانش های عنعنوی در توسعه متداوم و مناسب.
۴. قبول فرهنگ در انسجام اجتماعی به طور کلی و پذیرش توانائی خاص فرهنگ در بهبود مقام و نقش زنان افغان به صفت رکن اساسی حقوق انسانی، دموکراسی و حق برابری.
۵. رد نمودن و طرد رسم و رواج های مضر در جامعه، مانند سلوک ستمگارانه و غیر اسلامی با زنان و دختران و تحمیل زندگی مشقت بار بر ایشان.
۶. مطالعه ساختار، نظامها و نهادهای فرهنگی در افغانستان با در نظر داشت تاریخ و سهم مردم افغانستان در غنی ساختن فرهنگ های کشورهای منطقه و دیگر کشورها.
۷. شناخت مشکلات و توسعه ای فرهنگ در افغانستان و ضرورت های اصلی در راه توسعه ای همه امور فرهنگی به منظور استفاده از مزایای فرهنگی در انکشاف اقتصادی، اجتماعی، دموکراسی و برابری همه مردم کشور.

۸. حفاظت و نگهداری هویت اسلامی و فرهنگی، وحدت ملی مردم افغانستان از طریق شناخت شخصیت و شکوفائی فرهنگی و دسترسی به تعلیم و تربیه، اطلاعات و دانش.
۹. ارائه مفاهیم و تشریحات کلی مبنی بر این امر که عوامل فرهنگی، تعمیم و گسترش مفهوم فرهنگی، پذیرش توسعه فرهنگی به عنوان بُعد اصلی توسعه، در حالت امروز و فردای کشور ضروری است.
۱۰. با اعتبار و رعایت مادهٔ چهارم و هفتم قانون اساسی افغانستان، تعادل ارزشها و سنت های والای جامعه ای افغانی، تنوع و غنای فرهنگی، تدوین و تعیین اهداف و سیاست فرهنگی و تهیه ای ستراتیجی های قصیرالمدت و طویل المدت به منظور ارتقاء و انکشاف فرهنگ در افغانستان.
۱۱. راه یابی و مشورت جهت تمویل برنامه های بازسازی و انکشاف خدمات فرهنگی در افغانستان.
۱۲. ارائه برنامه های تعلیمی در راه ارتقاء و انکشاف فرهنگ بصورت مجموع و خاصاً جهت احیا و یا توسعه فرهنگ های محلی به شمول زبانهای مردم افغانستان.
۱۳. طرح و ارائه یک برنامه کامل و عالمانه فرهنگی در جهت سهم و نقش بارز رسانه های گروهی در معرفی، نگهداشت و توسعه فرهنگ در افغانستان و شناخت فرهنگ های محلی مردم افغانستان.
۱۴. بر قرار کردن اولویت ها و طرح پلان دراز مدت و کوتاه مدت، با همکاری مشترک وزارت های اطلاعات و فرهنگ، معارف، تحصیلات عالی و منابع و مراکز ارتباط جمعی، خصوصی و جامعه مدنی.
۱۵. تاسیس شبکه های منظومی و محلی برای مطالعات و جمع آوری معلومات در باره عنعنه های محلی در حال گم شدن.
۱۶. تقویه زبانهای محلی و معرفی زبانها برای مردم افغانستان و توجه خاص به زبان های که تعداد گویندگان آن بسیار اندک شده اند و در حالی از بین رفتن هستند.
۱۷. تحقیقات علمی از طرف موسسات علمی، پوهنتونها در زمینه ای فرهنگ های نا ملموس و در حال از بین رفتن و نگهداری اطلاعات در این باره. اکثر میراثهای فرهنگی غیر محسوس در حال از بین رفتن هستند. (میراث های فرهنگی نا ملموس عبارت اند از آواز خوانی های عنعنوی محلی، غیچک، اتن ها، قصه ها و افسانه هایی که از زبان بزبان دیگری انتقال می نمایند، درامه ها، رقص های مردان و زنان خاصاً در دهات. میراث فرهنگی غیر محسوس را میتوان ثبت کرد و نگاهداشت.)
۱۸. تشکیل انجمن های ملی فرهنگی و تشویق فرهنگیان و هنرمندان و دیگر کسانی که علاقمند حفظ و انکشاف فرهنگ مردم افغانستان باشند.
۱۹. تهیه و نشر پیامهای رادیویی، تلویزیونی و آموزشی در راه احترام به تنوع فرهنگی و نقش فرهنگ در وحدت و همبستگی ملی، احترام به حقوق انسانی (مرد و زن)، صلح و دموکراسی.
۲۰. تشویق و رشد صنایع دستی و صنایع فرهنگی محلی و استفاده از آن در توسعه حیات اقتصادی مردم.
۲۱. با دقت کامل، تبلیغ سراسری در کشور در جهت حفظ و نگهداری میراثها و آثار فرهنگی منقول و غیر منقول و پذیرش این امر که میراثهای فرهنگی در واقعیت غنای ملی فرهنگی همه مردم افغانستان هستند.
۲۲. تبلیغ علیه تفحصات و کاوشهای فرهنگی غیر مجاز و جلوگیری جدی از قاچاق و تخریب آثار فرهنگی مردم افغانستان.

ح: گفتار نهائی:

امروز زندگی افغانها، در هر واحد قومی و فرهنگی ای که قرار دارند، در مقطع زمانی مورد بحث و مطالعه قرار میگیرد که بین حقوق و وجایب شان آنچه در قانون اساسی افغانستان به آنها سپرده شده، باید توازن بر قرار گردد. اما این توازن فقط در صورتی از طرف همگان پذیرفته خواهد شد که برابری همگان را در پی داشته باشد و این به نوبت خود احترام

کامل به آزادی و حرمت اقلیت ها، عنعنه ها و فرهنگ شان را ایجاب می نماید. کوتاهی در این امر اسباب مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تولید خواهد نمود.

فرهنگ بصورت روشن یک عرصه مهم شکوفائی است، قلمروی است که در آن نبوغ خاص یک ملت یا یک فرد، بهترین مجال بروز پیدا می کند، اما مشروط بر آنکه وسیله ای به باز پس نگری به هویت موهومی نباشد و خاطره ای شود، تحرک امیز به سوی آینده، آینده ای پر از امید و سرشار و برخوردار از عقل و دانش و ضمناً بطور متداوم، خاطره ای باشد که هر شخص در ارتقاء و تعالی فرهنگی دسترسی و سهم داشته باشد.

حرمت به روش حیات دیگران و پذیرش تنوع فرهنگی در کشور ما وسیله و بهانه حذف دیگران نیست، بلکه پیشنهادی برای سهیم شدن با دیگران و همبستگی است که حاصل آن اعتلا و ارتقای فرهنگ مشترک مردم افغانستان می باشد و حتماً جامعه افغانی را بسوی مزایای انسانی رهنمائی می نماید.

امید است که مردم افغانستان با استفاده از غنمندی های فرهنگی خویش در راه اعتلای مزایای جامعه انسانی، که خود در آن عضویت دارند، همیشه کوشا باشند.

پایان

